

نقش معنویت در رشد علمی جامعه اسلامی

نرجس خاکپور^۱

چکیده

معنویت از آموزه‌هایی است که در ساختار معرفت دینی و نظام متعادل وجودی انسان نقش مهمی دارد. معنویت به معنای انس و ارتباط عمیق با خدا می‌باشد و سرمایه رشد و رستگاری فرد و جامعه محسوب می‌شود. همچنین که معنویت به معنی برجسته کردن ارزشهای معنوی است از قبیل ایثار، توکل و ایمان.

معنویت در نگاه کلی به دو قسم است: معنویت دینی و معنویت غیر دینی.

نخستین گام در مسیر معنویت، یافتن شناخت باورهای صحیح و مطابق با حقیقت است. سازگاری علم و دین با هم یعنی شکوفایی علم و دانش در تمدن‌های جهان، مرهون تدابیر و تشویق‌های دین است گرچه در برهه‌ای از زمان، جهان مسیحیت خاطره ناخوشایندی از سیطره کلیسا بر محافل علمی و تأثیر منفی آن بر علم است. که در کنار مواظبت بر ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی، هم‌نشینی و آموختن مستقیم از برخی اقشار مردم موجب رشد و پیشرفت معنوی انسان می‌گردد.

عیار معنویت را می‌توانیم در فضای عمومی جامعه به گونه‌ای چشمگیر افزایش دهیم که این پدیده مبارک را رفتار و منش حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب رواج داد.

گام اول برای رسیدن به رشد علمی معنوی در جامعه تفکر است. تفکر نوعی عبادت است. یکی دیگر از مراحل رشد معنوی مرحله سیر و سلوک است؛ یعنی سالک و رهرو طریق الهی الله برای وصول به قرب الهی پیش از هر چیز هم باید یک سری شرایطی را رعایت کند. بنابراین معنویت فردی و اجتماعی انسان‌ها را می‌توان توسط عواملی تحقق بخشید و تقویت کرد، زیرا معنویت یک حقیقت اختیاری است و برخی معتقدند که معنویت امری فطری است که در سرشت انسان‌ها نهفته است؛ از آنجا که وجود معنویت در حیات فردی، خانوادگی و اجتماعی عامل آثار فراوانی در زندگی اسلامی است و بندگی خدا، زمینه ساز دریافت کمالات معنوی است. بدون توجه به بعد معنوی انسان، نمی‌توان شخصیت اجتماعی انسان را شناخت.

۱ - طلبه سطح ۲، (کارشناسی)، حوزه علمیه زینبیه (سلام الله علیها)، شهرستان زهک.

روش تحقیق در این مقاله به صورت کتابخانه ای و روش پردازش اطلاعات به صورت تو صیفی می باشد.

واژگان کلیدی: معنویت، رشد علمی، جامعه.

مقدمه

معنویت حلقه‌ی مفقوده‌ی زندگی انسان در همه‌ی عرصه‌ها و هدایت بخش و جهت دهنده سلوک آدمی خواهد بود. انسان به معنویت از آغاز تا فرجام زندگی اش نیاز ذاتی دارد و هر گاه از چنین نیاز وجودی غفلت کرده دچار خسارت‌های فراوانی شده و آن‌گاه که به این نیاز درونی و فطری توجه داشت، دارای آرامش، آسایش و صاحب پیشرفت در ساحت‌های گوناگون زندگی شده است.

وجود معنویت در حیات فردی، خانوادگی و اجتماعی عامل آثار فراوانی در متن زندگی اسلامی است، فقدان معنویت نیز در متن زندگی فرد، خانواده و جامعه می‌تواند آثار تخریبی فراوانی را در حوزه نظری و عملی بر جا بگذارد. جامعه منهای معنویت یک جامعه شکست خورده در همه عرصه‌ها است؛ حتی اگر در عرصه‌های تکنولوژی و صنعت پیشرفت‌های ظاهری هم داشته باشد؛ اما در درون خود دچار ورشکستگی شده و از امنیت و آرامش برخوردار نخواهد بود. معنویت است که فرد، خانواده و جامعه را در برابر بیماری‌های اخلاقی و روحی و حتی بیماری‌های گوناگون اقتصادی و سیاسی حفظ می‌کند و یک جامعه معنوی دارای مصونیت از خطرات مختلف خواهد بود. به‌ویژه نسل جوان جامعه را باید تقویت معنوی کرد. در غیر این صورت گرفتار لغزش‌ها در عرصه‌های متنوع زندگی از جمله علم خواهند شد؛ زیرا هیچ‌چیز به قدر معنویت، انسان را حفظ نمی‌کند.

مفهوم معنویت

معنویت در لغت به معنای: «مَنَ نَ» «ع»، «ص نسب» منصوب به معنای باطنی، حقیقی است.^۱

معنویت در اصطلاح به معنی: برجسته کردن ارزشهای معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود جامعه است. معنویت از آموزه هایی است که در ساختار معرفت دینی نظام متعالی وجودی انسان نقش مهمی دارد.^۲

در دیدگاه امام (رحمه الله)، معنویت یعنی آن حالت درونی و روحانی و باطنی است که هر کاری را با قصد قرب الهی و سبب رضایت خداوند انجام می دهد.^۳

اقسام معنویت

معنویت در نگاه کلی بر دو قسم است:

۱- معنویت دینی به معنای وحیانی؛ یعنی ریشه در تعالیم انبیای الهی داشته و بر باورهایی چون توحید، نبوت و معاد استوار است. البته مقصود ما از معنویت دینی همانا معنویت اسلامی است؛ یعنی معنویتی که ره آورد بعثت پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) و نبوت و رسالت ایشان است و با مقوله ی امامت و ولایت پیوند ناگسستنی دارد.

۲- معنویت غیر دینی با سکولار؛ اعم از معنویت یکسره بشری و هم معنویتی که بشری محض نیست؛ اما با حضور و ظهور دین و آموزه های دینی در مدیریت اجتماعی مخالف است. معنویت های نو پدید و جریان های معناگرای نوظهور مصادیق بارز هر نوع معنویت غیر دینی اند.^۴

چنانکه بیان شد معنویت دینی ریشه در وحی الهی داشته و با اعتقاد به خدا و قیامت شکل می گیرد.

بنابراین اقسام معنویت دینی را در حوزه معنویت اخلاقی و عرفانی می توان بر دو پایه مستحکم استوار کرد:

۱- معین، فرهنگ لغت، ص ۱۶۰.

۲- غضنفری، بیان گام دوم انقلاب، ص ۲۲.

۳- خمینی، صحیفه امام، ج ۶۱، ص ۸.

۴- پایگاه تخصصی وسائل، مقاله کارکردهای معنویت در عرصه های اجتماعی از دیدگاه رهبر انقلاب، vasaal.ir. ساعت ۱۱.

۱- عقاید عقلانی، منطق حیات و فلسفه زندگی یا جهان بینی اسلامی که عقلانی، اثبات پذیر، تعهد آور، عشق آفرین و حرکت زا است؛ ۲- شریعت جامع و کامل یا باید و نبایدهای سازنده، مبتنی بر ساخت و سلوک معنوی در دو ساحت اخلاقی، عرفانی. معنویت دینی باید عنصری اصلی در حرکت و پژوهش علمی قرار گیرد، در این صورت اخلاقی شدن جامعه نیز تحقق پیدا خواهد کرد.^۱

نگاه علامه طباطبائی در رابطه علم و دین، سازگاری این دو با هم است و اینکه خدمات و تأثیرات متقابلی بر یکدیگر دارند. ایشان تأثیر علم بر دین را در حوزه تبیین گزاره های دینی و در حوزه تحکیم و اثبات مباحث اعتقادی و اصول دینی می داند. ایشان دو روش برای فهم حقایق قرآن مطرح می کند و از میان آن دو روش صحیح را بر می گزیند.

فهمیدن حقایق قرآن، و تشخیص مقاصد آن از راه بحث های علمی به دو صورت ممکن است:

یکی اینکه ما در مسئله ای که قرآن متعرض آن است بحث علمی، و یا فلسفی را آغاز کنیم و همچنان دنبال کنیم تا حق مطلب برایمان روشن و ثابت شود، آن وقت بگوییم: آیه هم همین را می گوید.

این روش هر چند که مورد بسند بحث های علمی و نظری است، لکن قرآن را نمی پسندد. دوم اینکه برای فهم آن مسئله و تشخیص مقصود آن آیه، از نظایر آن آیه کمک گرفته، منظور از آیه مورد نظر را به دست آوریم آن گاه اگر بگوییم علم هم همین را می گوید عیبی ندارد. این روشی است که می توان آن را تفسیر خواند. خود قرآن را می پسندد، چون قرآن، خود را تبیان کل شیء می داند ... [بنابراین، روش استفاده از مباحث علمی در تبیین های علمی باید به گونه ای باشد که در عین اینکه به ذیل بحث های علمی در تبیین های علمی متمسک می شود، نتایج حاصله را بر قرآن تحمیل نکند.^۲

علامه طباطبائی تأثیر دین بر علم را در پیشرفت و شکوفایی علوم بیان تبیین می کند.

۱- <https://farsi.khamenei.ir> . ۱۴۰۰/۱۰/۰۹ پنج شنبه ساعت ۹ صبح.

۲- طباطبائی، مباحثی در وحی و قرآن، ص ۱۱، ج ۱.

با توجه به این که انسان یک موجود اجتماعی است، جامعه ای که در آن زندگی می کند مانند خانه او ست و حریم آن، حریم خانه او ست و پاکی جامعه پاکی او ست و آلودگی آن او را آلوده می سازد. روی همین اصل، اسلام با هر کاری که جو جامعه را مسموم می کند به شدت مبارزه می کند.^۱

در روایات از مصاحبت با افراد شرور و آلوده نهی شده است: «لا تصحب الشرير فإن طبعك يسرق من طبعه شراً و أنت لا تعلم؛ با افراد شرور دوستی نکنید زیرا طبیعت انسان دزد است و شرارت و پستی را می رباید». ^۲ در حالی که انسان خود توجه ندارد.

نمونه ی قرآنی آن فرزندان حضرت نوح (علیه السلام) است که با بدان بندش ست و عاقبت او خراب شد. حضرت نوح (علیه السلام) به معیت و همراهی او با افراد بد اشاره نموده است: «بَنِيَّ ارْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ؛ و آن کشتی ایشان را در میان موجی کوه آسا می بُرد، و نوح و پسرش را که در کناری بود بانگ زد: ای پسرک من، با ما سوار شو و با کافران مباش، و این مباشرت با کفار سبب هلاکت او شد». ^۳

قرآن از سرنوشت اقوام و هلاکت آن ها بر اثر نافرمانی و گسترش فساد در جوامع سخن می گوید تا عبرتی برای بقیه باشد. هلاکت و سقوط جامعه ستم پیشینه از سنت های الهی است و به زمان یا مکان خاصی اختصاص ندارد. اکثراً در جامعه، افرادی بر اثر شناخت محدود خویش، متقاضی زندگی حیوانی اند، که اگر رها از قیود مرتکب معصیت و نافرمانی خدا می شود؛ چنان که قرآن می فرماید: «وَيَجْعَلُ الرَّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ؛ و پلیدی کفر و گناه بر کسانی قرار می دهد که نمی اندیشند». ^۴

بنابراین دستیابی به کمالات معنوی و رشد اخلاقی از ثمرهای عقلانی است و بدون تعقل و به کارگیری عقل سلیم نه تنها انسان به کمک نمی رسد بلکه چه بسا راه سقوط را خواهد پیمود. ^۵

اسلام، روش مردم دوستی و مهر و مدارا با مردم را به عنوان یکی از حقوق اجتماعی معرفی می کند، و این دید بلند اسلام را می رساند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در همین

۱- مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۵.

۲- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۸۲.

۳- هود: ۴۲.

۴- یونس، ۱۰۰.

۵- احسانی، تربیت عقلانی از منظر قرآن کریم، ص ۲۴۱.

رابطه به مطلب مهمی اشاره دارد: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ إِذَا أَحَبَّ أَحَدُكُمْ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ فَلْيَسْأَلْهُ عَنْ اسْمِهِ وَاسْمِ أَبِيهِ وَاسْمِ قَبِيلَتِهِ وَعَشِيرَتِهِ فَإِنَّ مِنْ حَقِّهِ الْوَاجِبَ وَصِدْقِ الْإِخَاءِ؛ پیامبر فرمودند: «وقتی یکی از شما برادر دینی اش را دوست می دارد، پس باید از نام پدرش پرسید، و پرسید که از کدام قبیله و عشیره است؛ چرا که توجه و تفقد و بهادادن یکی از حقوق واجب، در برادری و دوستی است». و صداقت در برادری ایجاب می کند که چنین باشد یعنی او را نیک و با اسم و رسم و ریشه و تبارشناسی و بهادهی^۱.

بنابراین؛ اجماع تأثیرات بسزایی بر زندگی انسان می گذارد.

بنابراین جامعه یکی از عوامل اجتماعی است که باعث رشد و پیشرفت معنویت در جامعه

می شود

۱- مطهری، جامعه و تاریخ، ص ۳۳.

نتیجه گیری

در اسلام یکی از باارزش ترین چیزها علم و دانش است و درباره ی آموختن بسیار سفارش شده است. حتی در قرآن، یکی از اهداف رسالت انبیاء، تعلیم و تعلم بیان شده است. علم و دانش، در اجرای عمل نقش عمده ای دارد، به گونه ای عمل آگاهانه و با معرفت، بسیار برتر و بالاتر از عملی است که با جهل انجام شود.

بندگی خدا، زمینه ساز دریافت کمالات معنوی است. بدون توجه به بُعد معنوی انسان، نمی توان جسم، روان و همین طور شخصیت اجتماعی او را شناخت و برای سلامت آن کاری کرد. در واقع دین و معنویت می تواند به ارتقای رشد علمی جامعه اسلامی کمک کند. تربیت عقلانی زمینه ساز شکوفایی و رشد نیروی عقل و فرد است و در ایجاد و تقویت بینش و بصیرت دینی نقش اساسی دارد. راه حرکت برای انسان همیشه باز است. انسان مجموع امکانات لازم، شامل «آگاهی»، «توانایی» و «توجه» برای پیمودن مسیر تربیت و کمال در اختیار دارد. بنابراین با توجه به اینکه انسان یک موجود اجتماعی است، جامعه ای که در آن زندگی می کند مانند خانه اوست و حریم آن حریم خانه اوست و پاکی جامعه پاکی اوست و آلودگی او آن را آلوده می سازد. روی همین اصل، اسلام با هر کاری که جو جامعه را مسموم می کند به شدت مبارزه می کند.

کمال یابی اثر مهمی است که از تربیت عقلانی منتج می شود و هر کس از رشد مناسب عقل برخوردار باشد، با راهنمای عقل به کمال معنوی می رسد؛ چرا که زمام چنین انسانی به دست عقل اوست و عقل بهترین رشد و راهنمای اوست. همچنین کانون پر مهر خانواده به صورت مکرر مورد توجه قرار گرفته است؛ چرا که همه ی ارزش های معنوی را می توان از درون کانون گرم خانواده بیرون کشید و معنویات را در سطح جامعه گسترش داد.

عوامل فردی معنوی که در رشد علمی مؤثر هستند عبارتند از: ایمان، آرامش، توکل و اراده قوی و سبک زندگی است و عوامل اجتماعی معنوی که در رشد علمی مؤثر هستند عبارتند از: خانواده، دوستان، جامعه.

منابع

* قرآن.

* نهج البلاغه.

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، چ ۲، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴.
۲. احسانی، محمد، تربیت عقلانی از منظر قرآن کریم، چ ۲، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۴.
۳. آمدی، عبدالله بن محمد، غررالحکم، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۸۷.
۴. پارسانیا، حمید، چپستی و هستی جامعه از دیدگاه استاد مطهری، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۵۸.
۵. جوادی آملی، عبدالله، جامعه در قرآن، چ ۲، قم، اسراء، ۱۳۸۸.
۶. _____، مراحل اخلاق در قرآن، چ ۳، قم، اسراء، ۱۳۷۹.
۷. حامدی فر، مصطفی، بیانیه گام دوم انقلاب، سبک زندگی، ج ۱، تهران، مهرگان دانش، ۱۳۹۸.
۸. حسینی خامنه ای، سیدعلی، سایت مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳.
۹. خمینی، روح الله، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، پدید آورنده: خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، تهران، ناشر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه الله علیه)، زبان اثر فارسی.
۱۰. _____، صحیفه امام، تهران، جد ۶۱، تهران، سازمان مدارس فرهنگی انقلاب، ه. ش، ۱۳۹۵.
۱۱. رفیع پور، فرامرز، مقدمه ای بر جامعه کار شنا سی، ج ۲۰، تهران، مؤسسه علمی فرهنگی، ۱۳۸۹.
۱۲. ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۷.
۱۳. زارع پور، محمد، حدیث ولایت، تهران، سازمان فرهنگی اسلامی، ۱۳۷۳.
۱۴. سلیمانی فر، ثریا، بررسی شخصیت جوان، چ ۲، تهران، فرهنگ مکتوب، ۱۳۸۴.
۱۵. شجاعیان و همکاران، رضا، ارتباط دعا با سلامت روانی، تهران، مجله اندیشه و رفتار، شماره ۳۰۰، ۱۳۹۵.
۱۶. صابری یزدی، علیرضا، الحکم الزاهو، ج ۱، تهران، ج ۱، سازمان تبلیغات، ۱۳۶۶.

۱۷. طباطبایی، سید محمد حسین، **مباحثی در وحی قرآن**، تهران، ج ۱، بنیاد علوم اسلامی، ۱۳۶۰.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن، **امالی**، قم، دارالثقوه، ۱۴۱۴ ق.
۱۹. غضنفری، عزیز، **بیانیه گام دوم انقلاب**، ج ۱، تهران، سایه گستر، ۱۳۹۸.
۲۰. فقیهی، علی نقی، **رابطه تربیت دینی با سبک زندگی اسلامی**، ج ۱، تهران، تربیت تبلیغی، ۱۳۹۲.
۲۱. قرشی بنایی، علی اکبر، **قاموس قرآن**، ج ۳، تهران، دارلکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲ ق.
۲۲. کاویانی، محمد، **کمی سازی و سنجش سبک زندگی اسلامی**، روان شناسی دین، ۱۳۹۰.
۲۳. محرابی، سمیه، **دوستی در اسلام**، تهران، ۱۳۸۵.
۲۴. مطهری، مرتضی، **جامعه و تاریخ**، قم، صدرا، ۱۳۸۷.
۲۵. -----، **نظریه های بنیادی جامعه شناختی**، مؤلفان: برنارد روزنبرگ، لوئیس آلفرد کوزد، مترجم: فرهنگ ارشاد، ناشر: نشر نی، زبان فارسی، تیتراژ ۷۰۰ نسخه، چاپ ششم، ۱۳۹۳.
۲۶. معین، محمد، **فرهنگ لغت**، چ ۵، تهران، سپهر، ۱۳۸۶.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، تهران، ج ۳، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۹۰.
۲۸. نارویی، نصرت، رحیم، **دین و معنویت**، چ ۱، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴.
۲۹. سایت <https://farsi.khamenei.ir>